

## توسعه سیاسی و سرمایه اجتماعی با رویکردی بر الگوی اسلامی - ایرانی

پیشرفت

جلال خرم<sup>۱</sup>

علیرضا مسیبی

### چکیده

امروزه در کنار سرمایه های سیاسی، مالی، اقتصادی، فرهنگی، نمادین و... سرمایه دیگری بنام سرمایه اجتماعی مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماع، اقتصاد دانان و سیاستگذاران قرار گرفته است. این مفهوم به پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه اجتماعی به عنوان یک منبع و سرمایه با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل در جامعه موجب تحقق اهداف اعضا می شود. بدین لحاظ با اذعان به اهمیت این سرمایه، که منبع عمده آن "اعتماد و باور" در جامعه است بایستی در جهت تجهیز هرچه بیشتر قطار توسعه و پیشرفت کشور به این سرمایه بهای بیشتری داده شود و لازم است در برنامه پنجم توسعه با شناسایی مؤلفه های اعتمادساز و سرمایه ای از بدنه اجتماع، زیرساخت های لازم را برای توسعه در همه ابعاد فراهم کرد. فرایندی که در کشور ایران به لحاظ فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی در بلقوه بودن عناصر آن شکی نیست. عناصری که از بدنه خود اجتماع و فرهنگ ملی و دینی همچون اندیشه "ولایت" "دشمن شناسی" "تعامل و همکاری شبکه ای" نشئت گرفته است. بدین لحاظ در ایمن پژوهش چارچوب این الگوی اعتماد ساز راهکارهایی به اجمال پیشنهاد می گردد.

**واژه های کلیدی:** توسعه سیاسی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سرمایه اجتماعی، اعتماد و باور، ولایت، دشمن شناسی

### مقدمه:

امروزه در کنار سرمایه های سیاسی، مالی، اقتصادی، فرهنگی، نمادین و... سرمایه دیگری بنام سرمایه اجتماعی مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماع، اقتصاد دانان و سیاستگذاران قرار گرفته است. این مفهوم به پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه اجتماعی به عنوان یک منبع و سرمایه با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل در جامعه موجب تحقق اهداف اعضا می شود. در این مطالعه با ارائه تعاریف و دیدگاههای صاحب نظران عمده، به ریشه های نهادی سرمایه اجتماعی و رابطه آن با توسعه به خصوص توسعه اجتماعی و فرهنگی پرداخته خواهد شد تا زمینه نهادی شدن برنامه ها و سیاست های کشور به خصوص در قالب برنامه پنجم توسعه را فراهم نماید. لازم به ذکر است چارچوب نظری این پژوهش نظریه پوتنام در خصوص سرمایه اجتماعی می باشد. از نظر پوتنام سرمایه اجتماعی به صورت یک رابطه دو جانبه محکم بین سطوح مشارکت مدنی و اعتماد بین فردی خود را نشان می دهد. بطوری که هرچه اعتماد بین شهروندان بیشتر باشد احتمال بیشتری وجود دارد که در امور جوامع خود مشارکت نمایند. همچنین کسانی که به

یکدیگر اعتماد می کنند به نهادهای دولتی نیز اعتماد بیشتری دارند. پوتنام سرمایه اجتماعی را وسیله ای برای رسیدن به توسعه در سیستم های مختلف سیاسی می داند. تاکید عمده وی بر مفهوم "اعتماد" می باشد. به زعم وی همین عامل است که می تواند با جلب اعتماد میان مردم و دولتمردان و نخبگان سیاسی، موجب توسعه سیاسی شود. وی این مدل را مدل ساختاری سرمایه اجتماعی نامیده است.

یکی از مهمترین جنبه های توسعه یک کشور و منطقه، توسعه اقتصادی آن منطقه با بکارگیری کارآمد و موثر منابع انسانی و سرمایه های اجتماعی می باشد. یکی از ویژگی های توسعه اقتصادی یک منطقه توجه به این مطلب است که بخش های مختلف اقتصادی یک منطقه با وجود تفاوت های ساختاری و عملکردی بتوانند در شرایط سخت و به خصوص بحران ها، کارکرد خود را به خوبی حفظ نمایند (RSA، ۱۹۹۸) و این جنبه توسعه اقتصادی نیازمند بکارگیری مناسب مهارت ها به منظور تغییر وضعیت اقتصادی و جهش آن است. (بینز و نل<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹؛ نل<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹؛ نل و بینز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱؛ راجرسون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹؛ RSA، ۱۹۹۸)

در سالهای اخیر بسیاری از پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که وضعیت و شرایط نامناسب یک کشور می تواند موجب عدم امنیت، درگیری، خشونت، عدم ثبات سیاسی، فقر و یا حتی فروپاشی یک دولت و حکومت گردد. این امر می تواند ناشی از شرایط نامطلوب اقتصادی و یا سوء مدیریت های سیاسی و اقتصادی باشد (الهاواری و دیگران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰؛ مورنو و اندرسون<sup>۷</sup>، ۲۰۰۴).

در هر منطقه ای هر دولت و حکومتی در بازه های زمانی مشخص ممکن است چندین هدف و یا حتی میلیونها هدف خرد و کلان را دنبال کند تا بتواند به توسعه مطلوب دست یابد، فقر را کاهش دهد، به ثبات بیشتری برسد، از نظر اقتصادی و سیاسی رشد یابد. توسعه اقتصادی مستلزم حضور بنگاههای اقتصادی فعال و قوی و ایجاد بسترهای مناسب جهت رشد اقتصادی می باشد. رسیدن به این امر نیازمند استراتژی های مناسبی جهت بکارگیری موثر و کارآمد منابع منطقه و برنامه های جامع و دقیق است. (کولیر و دلار<sup>۸</sup>، ۲۰۰۲).

شواهد بیشتری (آگراوان<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰) حاکی از آن است که با ایجاد تسهیلات جهت سرمایه گذاری مناسب در شرکت ها و بنگاههای داخلی و جذب منابع مالی؛ مدیریت ریسک، تبادل مناسب کالاها و خدمات راحت تر و رشد اقتصادی و سیاسی مطلوب تری خواهیم داشت. (میساتی نیامونگو<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۱؛ براوون<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۴)

هر جامعه ای علاوه بر سرمایه های فیزیکی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، انسانی و نمادین با گونه ها و میزانی از سرمایه اجتماعی هم سر و کار دارد که با دیگر انواع سرمایه رابطه متقابل دارد. سرمایه اجتماعی در جوامع سنتی (ماقبل مدرن) بیشتر جنبه درون گروهی توأم با اعتماد اجتماعی محدود و خاص داشته است که امروز آن را با نام سرمایه اجتماعی قدیم می شناسند. در جوامع مدرن با نوع دیگری از سرمایه اجتماعی سر و کار داریم که بیشتر جنبه بین گروهی توأم با اعتماد اجتماعی تعمیم یافته و عام دارد که از آن به عنوان "سرمایه اجتماعی جدید" نام می برند.

<sup>2</sup> Binns & Nel

<sup>3</sup> Nel

<sup>4</sup> Nel & Binns

<sup>5</sup> Rogerson

<sup>6</sup> Elhawary

<sup>7</sup> Moreno & Anderson

<sup>8</sup> Collier P, Dollar

<sup>9</sup> Aggarwal

<sup>10</sup> Misati & Nyamongo

<sup>11</sup> Brown

### تاریخچه و مفهوم سرمایه اجتماعی:

سرمایه اجتماعی در معنای مدرن خود ابتدا در سال ۱۹۱۶ در نوشته‌های "هانیفان"<sup>۱۲</sup> سرپرست وقت مدارس ویرجینای غربی در آمریکا به کار رفت. این سرمایه‌ی ناملموس بسیاری از امور زندگی روزانه مردم مانند حق کسب و کار، معاشرت، هم‌فکری و همدردی و داد و ستد اجتماعی میان افراد و خانواده‌ها که واحدهای اجتماعی را می‌سازند در برمی‌گیرد. وی سرمایه اجتماعی را حاصل ظرفیت‌های بالقوه‌ای می‌داند که برای بهبود اساسی شرایط زندگی اجتماعی کفایت می‌کند. بعد از او محققان و جامعه‌شناسان بسیاری مطالعات و نظریه‌های خود را در این خصوص ارائه داده‌اند. افرادی چون؛ جین جاکوب<sup>۱۳</sup> استاد مسائل شهری، گلن لوری<sup>۱۴</sup> اقتصاددان، ایوان لایت<sup>۱۵</sup> جامعه‌شناس، فوکویاما<sup>۱۶</sup>، کلمن<sup>۱۷</sup> جامعه‌شناس، پوتنام<sup>۱۸</sup> دانشمند علوم سیاسی، پیر بوردیو<sup>۱۹</sup> و... اما از میان آنها جیمز کلمن اولین کسی است که به صورت منسجم و قوی به بحث سرمایه اجتماعی می‌پردازد. او با مقاله "سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی"، اثر مهمی را در ادبیات جامعه‌شناسی توسعه پدید آورد. بعد از او رابرت پوتنام نیز در سال ۱۹۹۳ با چاپ کتاب "بنای دموکراسی کارآمد؛ سنت‌های مدنی" و مقاله "بولینگ یک نفره، کاهش سرمایه اجتماعی آمریکا" در سال ۱۹۹۵ بود که باعث توجه بیشتر عموم به ایده سرمایه اجتماعی و چگونگی افزایش و کاهش و بازسازی آن در آمریکا شد.

سرمایه اجتماعی در دو دهه اخیر به عنوان یک دیدگاه نظری موثر پذیرش گسترده‌ای را به دست آورده است این در حالی است که در مورد تعاریف کلیدی در میان متفکران این حوزه اجماع نظری حاصل نشده است. به منظور درک بیشتر این مفهوم، دیدگاه صاحب نظرانی را که مباحث آن‌ها در خصوص سرمایه اجتماعی هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ تجربی در دهه اخیر الهام بخش بوده و رویکردهای نظری عمده را شکل داده‌اند را مرور می‌کنیم.

تعریف رایج سرمایه اجتماعی در جریان اصلی جامعه‌شناسی آمریکایی - بویژه در روایت کارکرد گرابانه آن - عبارت است از روابط دوجانبه، تعاملات و شبکه‌هایی که در میان گروه‌های انسانی پدیدار می‌گردند و سطح اعتمادی که در میان گروه و جماعت خاصی، به عنوان پیامد تعهدات و هنجارهایی پیوسته با ساختار اجتماعی، یافت می‌شود. در مقابل جامعه‌شناسی اروپایی این مفهوم را در بررسی این موضوع به کار می‌گیرد که چگونه تحرک پیوندهای مربوط به شبکه‌های اجتماعی، سلسله مراتب اجتماعی و قدرت تمایز یافته را تقویت می‌کند. با وجود این، نکات مشترک این دو دیدگاه در مورد سودمندی سرمایه اجتماعی در افزایش برخی ویژگیها، مانند آموزش، تحرک اجتماعی، رشد اقتصادی، برتری سیاسی و در نهایت توسعه است (وال، ۱۹۹۸، ۳۰۴).

پیر بوردیو از سه نوع سرمایه سخن راند. این اشکال سرمایه عبارت از شکل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بودند. شکل اقتصادی سرمایه بلافاصله قابل تبدیل به پول است مانند دارایی‌های منقول و ثابت یک سازمان.

<sup>12</sup> Hanifan

<sup>13</sup> Jine Jakoob

<sup>14</sup> Gallen Lurry

<sup>15</sup> Ivan Light

<sup>16</sup> Fukuyama

<sup>17</sup> Coleman

<sup>18</sup> Putnam

<sup>19</sup> Bourdieu

سرمایه فرهنگی، نوع دیگر سرمایه است که در یک سازمان وجود دارد مانند تحصیلات عالی اعضای سازمان که این سرمایه نیز در برخی موارد و تحت شرایطی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و شکل سوم سرمایه، سرمایه اجتماعی است که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می تواند به عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه های اقتصادی باشد. (وینتر<sup>۲۰</sup>، ۲۰۰۰)

سرمایه اجتماعی از نظر بورديو بر تعهدات و ارتباطات اجتماعی مبتنی است و آن را چنین تعریف می کند: « سرمایه اجتماعی انباشت منابع بالفعل و بالقوه ای است که مربوط به داشتن شبکه ای نسبتاً پایدار از روابط کم و بیش نهادی شده از آشنایی و شناخت متقابل است. به عبارت دیگر عضویت در یک گروه برای هر یک از اعضایش از طریق حمایت یک سرمایه جمعی، صلاحیتی فراهم می کند که آن را مستحق «اعتبار» به معانی مختلف کلمه می کند» (بورديو، ۱۹۹۷، ص ۵۱).

از نظر بورديو، سرمایه اجتماعی در ممالک سرمایه داری به عنوان ابزاری برای تثبیت و تقویت جایگاه اقتصادی افراد به شمار می رود. در این ممالک، سرمایه اقتصادی پایه است و سرمایه اجتماعی و فرهنگی ابزاری برای تحقق آن محسوب می شوند.

نان لین با طرح « نظریه منابع اجتماعی»<sup>۲۱</sup> (۱۹۸۲) مشخصاً این مسئله را مطرح کرده است که دستیابی به منابع اجتماعی و استفاده از آن ها (منابع نهفته<sup>۲۲</sup> در شبکه های اجتماعی) می تواند به موقعیت های اجتماعی - اقتصادی بهتر منجر شود. بر همین اساس لین در سال های اخیر (۱۹۹۸) مفهوم سرمایه اجتماعی را برای طرح نظرات پیشین خود برگزیده و آن را به مثابه منابع نهفته در ساختار اجتماعی تعریف می کند که با کنش های هدفمند قابل دسترسی یا گردآوری است. به این ترتیب از نظر لین سرمایه اجتماعی از سه جزء تشکیل شده است: منابع نهفته در ساختار اجتماعی، قابلیت دسترسی افراد به این گونه منابع اجتماعی و استفاده یا گردآوری این گونه منابع اجتماعی در کنش های هدفمند (لین<sup>۲۳</sup>، ۱۹۹۹، ص ۷).

اقتصاد جدید سرمایه داری، سرمایه اجتماعی را به کار می گیرد، آن را تهی می سازد و باز آن را پر می کند. اقتصاددانان نئوکلاسیک به اهمیت هنجارهای اجتماعی تعاونی در اقتصاد به خوبی واقفند و برای تبیین اینکه چگونه عناصر عقل گرای خودخواه به همکاری با یکدیگر روی می آورند، نظریه دقیقی دارند. به علاوه، اقتصاددانان هنجارهایی را که به طور نهادینه ساخته شده اند، به خوبی می شناسند: نظریه آنها را برای ارزیابی اینکه رفتار دولت با کارآمدی - رو به افزایش، و کارآمدی - روبه کاهش چیست، رهنمودهایی فراهم می سازد. آنچه که اقتصاددانان به سختی می پذیرند اهمیت آن چیزی است که می توان هنجارهایی که به طور برونزاد ساخته شده اند نامید. یعنی در هنجارهای بیرون از نظام اقتصادی که بر رفتار اقتصادی تاثیر می گذارند، و از منابعی از قبیل فرهنگ یا مذهب سرچشمه می گیرند (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۶۳). وظیفه اقتصادی سرمایه اجتماعی کاهش هزینه های معاملاتی است که با مکانیسم های هماهنگی رسمی مثل قراردادهای سلسله مراتب، قوانین بوروکراسی و موارد مشابه مربوط هستند. حقیقت موضوع این است که هماهنگ کردن فعالیتها براساس هنجارهای غیررسمی به عنوان بخش مهمی از اقتصاد مدرن پایدار می ماند، و این مسئله به دلیل ماهیت پیچیده فعالیتهای اقتصادی و فناوری پیچیده است. بسیاری خدمات

<sup>20</sup> Winter

<sup>21</sup> Social Resource Theory

<sup>22</sup> Embedded Resource

<sup>23</sup> Lin

پیچیده برای کنترل، خیلی پرهزینه هستند و از طریق استانداردهای حرفه ای داخلی خیلی بهتر از مکانیسم های کنترل رسمی، کنترل می شوند. یک مهندس نرم افزار بسیار آموزش دیده اغلب بیشتر از بهره وری خودش نسبت به سرپرست خود مطلع است؛ یک خزانه داری اغلب وقتی که به قضاوت یک مأمور مالی باتجربه واگذار شود، کارا تر است از اینکه توسط کتابی مثل سررشته داری دولتی انجام شود. تعدادی از مطالعات تجربی پیشنهاد می کند که فناوری پیشرفته تحقیق و توسعه (R&D) اغلب به مبادله غیررسمی حق مالکیت عقلایی وابسته است، به دلیل اینکه مبادله رسمی مستلزم افزایش هزینه های معاملاتی بیش از حد است و سرعت مبادلات را کم می کند. حتی در محیطهای با فناوری پیشرفته پایین، سرمایه اجتماعی اغلب به کارایی بیشتری نسبت به تکنیک های هماهنگی رسمی منجر می شود. تیلوریسم کلاسیک، که محل های کاری را به شیوه بوروکراسی بسیار متمرکز سازماندهی کرد، ناکارآمدی زیادی به وجود آورد موقعی که تصمیمات به تأخیر افتادند و اطلاعات تحریف شدند و زنجیرهای سلسله مراتب فرمان به طرف پایین حرکت کردند. در بسیاری از کارخانه های تولیدی، ساختارهای مدیریت مسطح ترجیحگزين تیلوریسم شده است که مسئولیت را به سطوح پایین خود کارخانه واگذار کرده است. کارگرانی که خیلی به منابع دانش تخصصی نزدیکتر هستند اختیار دارند که خود تصمیم بگیرند به جای اینکه آن را به سلسله مراتب مدیریتی واگذار کنند. این کار اغلب به بازدهی بالایی منجر می شود اما کاملاً به سرمایه اجتماعی نیروی کار وابسته است. اگر بین کارگران و مدیران عدم اعتماد یا فرصت طلبی فراوان وجود داشته باشد، تفویض اختیار که در یک سیستم تولیدی کوچک لازم است، به از کارافتادگی فوری منجر می شود. این در واقع آن چیزی است که در جنرال موتورز طی اعتصابهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۸ اتفاق افتاد، زمانی که یک شعبه محلی با مخالفت توانست کل عملیات آمریکای شمالی شرکت را ببندد (گلنر، ۱۹۹۴، ص ۵۲).

لین در مقایسه سرمایه اجتماعی با اشکال دیگر سرمایه، سرمایه اقتصادی و سرمایه انسانی را شکل های شخصی سرمایه می نامد، حال آن که برای سرمایه اجتماعی عنوان « دارایی ارتباطی »<sup>۲۴</sup> را به کار می برد. سرمایه گذاری در این شکل سرمایه، نه بر روی فرد بلکه بر روی روابط صورت می گیرد. به این معنی که افراد برای دستیابی به سود در تعاملات و شبکه سازی شرکت می کنند. نهایتاً این که انتظار می رود روابط اجتماعی هویت و اعتبار را تقویت کند. اطمینان فرد از ارزش خود به عنوان عضوی از یک گروه اجتماعی که در منافع و منابع مشابهی شریک هستند (لین، ۲۰۰۱، ص ۲۰).

جیمز کلنن از واژه های مختلفی برای تعریف سرمایه اجتماعی کمک گرفت. وی مفهوم سرمایه اجتماعی را از ابعاد مختلف بررسی کرد. کلنن برای تعریف سرمایه اجتماعی از نقش و کارکرد آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی و نه ماهوی از سرمایه اجتماعی ارائه داد. براین اساس، سرمایه اجتماعی عبارت از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی است که به عنوان منابعی در اختیار اعضا قرار می گیرد تا بتوانند به اهداف و منافع خود دست پیدا کنند (کلنن<sup>۲۵</sup>، ۱۹۹۰).

در تعریف فوق، تأکید کلنن بر منافع فردی سرمایه اجتماعی، متأثر از به کارگیری نظریه انتخاب عقلانی در تبیین رفتار است: «من از مفهوم عقلانیت در اقتصاد استفاده می نمایم، مفهومی که اساس کنشگر عقلانی در نظریه اقتصادی را تشکیل می دهد و می توان آن را این گونه بیان کرد که کنشگر کنشی را انتخاب می کند که حداکثر فایده را نصیب او سازد.» (کلنن، ۱۳۷۷، ص ۳۲).

کلمن در حالی که بر استفاده افراد از منابع ساختی اجتماعی در کنش هایشان برای به دست آوردن بهترین نتایج تأکید می‌ورزد بر طبیعت جمعی سرمایه اجتماعی نیز اصرار دارد. او معتقد است که سرمایه اجتماعی ویژگی‌های معینی دارد که آن را از کالاهای خصوصی، تقسیم پذیر و انتقال پذیر، که در نظریه اقتصادی نئوکلاسیک بحث شده است متمایز می‌سازد و سپس ویژگی‌های این کالای عمومی را چنین بر می‌شمرد:

به آسانی مبادله نمی‌شود اگر چه این سرمایه منبعی است که ارزش استفاده دارد. سرمایه اجتماعی دارایی شخصی هیچ یک از افرادی که از آن سود می‌برند نیست و این به واسطه صفت کیفی ساختار اجتماعی است که فرد در آن قرار گرفته است. نتیجه فرعی فعالیت‌های دیگر است و معمولاً شخص خاصی آن را به وجود نمی‌آورد زیرا انگیزه برای سرمایه گذاری در آن وجود ندارد یا ضعیف است، برخلاف سرمایه فیزیکی که به واسطه منافع شخصی اش انگیزه برای سرمایه گذاری کاهش نمی‌یابد. نهایتاً این که سرمایه اجتماعی در صورت استفاده بیشتر بر خلاف بعضی اشکال دیگر سرمایه نه تنها مستهلک نمی‌شود بلکه افزایش می‌یابد (کلمن، ۱۳۷۷، صص ۹۰ - ۴۸۲).

رابرت پوتنام از محققین اخیر است که مفهوم و ابعاد سرمایه اجتماعی را بررسی کرده است. تأکید عمده وی به نحوه تأثیر سرمایه اجتماعی بر رژیم‌های سیاسی و نهادهای دموکراتیک مختلف است. پوتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. از نظر وی اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه، به عنوان منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است (پوتنام<sup>۲۶</sup>، ۲۰۰۰).

به زعم فوکویاما «سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهیم هستند. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند، اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشند» (فوکویاما، ۱۳۷۹، صص ۱۲ - ۱۱). فوکویاما بر خلاف دیگر نظریه پردازان سرمایه اجتماعی صرفاً بر خصلت جمعی سرمایه اجتماعی تأکید می‌نماید: «سرمایه اجتماعی ... زیر مجموعه سرمایه انسانی نیست چرا که این سرمایه متعلق به گروه هاست و نه افراد. هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند، در صورتی معنا دارند که بیش از یک فرد در آن سهیم باشد. گروهی که حامی سرمایه اجتماعی است ممکن است به کوچکی دو دوست باشند که با یکدیگر تبادل اطلاعات می‌کنند یا در پروژه‌ای مشترکاً همکاری می‌نمایند و یا ممکن است در مقیاس بزرگ تری تمامی یک ملت باشد» (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۱۳).

برای مفهوم سرمایه اجتماعی از سه تئوری پیوندهای ضعیف<sup>۲۷</sup>، شکاف ساختاری<sup>۲۸</sup> و تئوری منابع اجتماعی<sup>۲۹</sup> استفاده شده است. تئوری‌های پیوند ضعیف و شکاف ساختاری بر شبکه ارتباطات تأکید دارند و تئوری منابع اجتماعی بر محتوای روابط در شبکه‌های متمرکز می‌باشد.

<sup>26</sup> Putnam

<sup>27</sup> Weak TIES Theory

<sup>28</sup> -Structural Hole Theory

مطابق تئوری پیوندهای ضعیف، هرچه شدت و استحکام روابط میان اعضای یک شبکه بیشتر باشد، ارزش سرمایه اجتماعی کمتر و بالعکس هرچه شدت و استحکام این روابط ضعیفتر باشد نشان دهنده سرمایه اجتماعی بیشتر است. گرانووتر ۳۰ واضع تئوری پیوندهای ضعیف، معتقد است که می توان سرمایه اجتماعی را از نظر شدت، تکرار و شمولیت انواع مختلف روابط مانند دوستیها، همکاریها... مورد سنجش قرار داد. شدت و استحکام روابط یک گروه اجتماعی در داخل گروه موجب تضعیف روابط اعضای آن گروه با بیرون می گردد. (سیبرت<sup>۳۱</sup>، ۲۰۰۱).

مطابق تئوری شکاف ساختاری، اگر یک فرد در شبکه اجتماعی خود با همکارانی که با هم در ارتباط نیستند با حداقل ارتباط اندکی با هم دارند، ارتباط برقرار کند، نهایت استفاده را خواهد برد. تقویت شبکه های شکاف دار، دارای مزایایی است از جمله اینکه ارزیابی سریع و بی نظیر اطلاعات، قدرت چانه زنی مضاعف و افزایش قدرت کنترل بر منابع و نتایج را در پی دارد (سیبرت، ۲۰۰۱). تئوری شکاف ساختاری، سرمایه اجتماعی را یک "شبکه اختیاری گونه" تعریف می کند که متاثر از عوامل ذیل است:

اندازه شبکه: شبکه های وسیع و گسترده، کمتر تحمیلی بوده و اجبار برای تبعیت اعضا کمتر است. تراکم یا چگالی شبکه ۳۲: شبکه هایی که در آن ارتباط و تعامل میان اعضا شدت بیشتری دارد، اجبار اعضا برای تبعیت زیاد است.

سلسله مراتب شبکه: شبکه هایی که در آن، روابط بر پایه یک ارتباط مسلط شکل می گیرد، حالت جبر و تحمیل بیشتری دارد (بورت<sup>۳۳</sup>، ۱۹۹۷).

تئوری منابع اجتماعی که ریشه های آن به مطالعات لین و کاتور ۳۴ در سال ۱۹۸۱ می رسد، پیوندهای موجود در شبکه را بدون وجود منابع داخل آن کارآمد نمی داند. از دیدگاه این تئوری فقط منابع موجود در درون شبکه است که می تواند به عنوان یک سرمایه قلمداد شود (لین، ۱۹۸۱).

با مرور ادبیات مربوط به مفهوم سازی سرمایه اجتماعی می توان به این جمع بندی رسید که غالب تئوری ها و نظریات به ماهیت ارتباطات و پیوندها در دو حوزه میان فردی (بین الذهانی) و سازمانی (بین شبکه ای) در راستای ایجاد "اعتماد" به عنوان زیربنای منبع سرمایه اجتماعی جهت توسعه همه جانبه می پردازد.

### سرمایه اجتماعی و اعتماد:

پوتنام سرمایه اجتماعی را به عنوان وسیله ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستمهای مختلف سیاسی می دانست. تاکید عمده وی بر مفهوم "اعتماد" بود و به زعم وی همین عامل بود که می توانست با جلب اعتماد میان مردم و دولتمردان و نخبگان سیاسی موجب توسعه شود. بنابراین، اعتماد، منبع با ارزشی از سرمایه محسوب می شود و اگر در فرد و در راستای آن سازمان میزان زیادی اعتماد وجود داشته باشد به همان اندازه رشد و توسعه اجتماعی بیشتر خواهد بود. برخی از نویسندگان اعتماد را مترادف سرمایه

6-Social Resource Theory

7-Gravovetter

<sup>31</sup>Seibert

<sup>32</sup>-Density

<sup>33</sup> Burt

<sup>34</sup>-Lin&Coauthor

اجتماعی دانسته اند (فوکویاما، ۱۹۹۷، ص ۲۸)؛ برخی دیگر آن را به عنوان یک منبع تلقی کرده اند (پوتنام، ۱۹۹۵) و برخی دیگر اعتماد را به عنوان یک ساختار در نظر گرفته اند (کلمن، ۱۹۹۸، ص ۱۱۵). میزال ۳۵ اعتماد را "ماحصل عمل با قصد و نیت کسی می داند که از نکته نظر ما متناسب باشد". نتیجه مطالعات فراوان نشان داده است که اگر روابط میان اعضاء توأم با اعتماد بالا باشد تمایل آن ها برای تبادل اجتماعی و همکاری افزایش می یابد (پوتنام، ۱۹۹۵؛ فوکویاما، ۱۹۹۷، ص ۲۸).  
اعتماد پدیده ای چند وجهی است و بیانگر تمایل به اثرپذیری از گروه های دیگر است که این تمایل به اطمینانی مربوط می شود که از سه جنبه ذیل به وجود می آید:

۱- باور به قصد و نیت مثبت طرف مقابل از لحاظ عدالت و نبود تبعیض

۲- باور به صلاحیت و توانمندی آنها

۳- اعتماد و باور به باز بودن دیدگاه آن ها (اوجی<sup>۳۶</sup>، ۱۹۸۱، ص ۱۸۱)

سرمایه اجتماعی، اغلب روابط توأم با اعتماد ایجاد می کند و اعتماد به نوبه خود موجب شکل گیری سرمایه اجتماعی می شود. براساس تحقیقی که در زمینه اعتماد و هنجارهای مدنی در ۲۹ کشور جهان انجام شد، اعتماد را یک نرم به حساب آورند (کناک و کیفر<sup>۳۷</sup>، ۱۹۹۶، ص ۱۱۵) در تحقیق دیگری که در خلال سال های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ انجام شد مشارکت شهروندی که با عضویت در سازمان سیاسی و شهری و اعتماد متقابل سنجیده می شود را در روابط متقابل نهفته دیدند (وندی، ۲۰۰۰، ص ۱۱۴) اعتماد به پشتیبانی مردم از نظام های سیاسی منجر خواهد گردید و همچنین فرصت لازم را در اختیار رهبران سیاسی قرار می دهد تا به اصلاحات، ارتباطات و گفتگو بپردازند. بدون اعتماد هیچ کنش متقابل و مطمئنی صورت نخواهد پذیرفت (پوتنام، ۲۰۲۵، ۱۳۸۰).

اعتماد دلالت بر چند بعدی بودن این مفهوم دارد. بنابراین مفهوم سازی ابعاد "اعتماد" در واژگان جداگانه (بدون در نظر گرفتن ارتباط و تعامل میان این ابعاد) منجر به شکست پژوهش های تجربی خواهد شد (نیوتن، ۱۹۹۷، ص ۱۱۵). ناتوانی در تبیین و طراحی سوالات تجربی در ارتباط با تعامل میان این ابعاد موجب ایجاد محدودیت در شناخت مفهوم واحدی از سرمایه اجتماعی خواهد شد (وندی<sup>۳۸</sup>، ۲۰۰۰، ص ۳). بدین ضرورت ابتدا بایستی شاخصهای اعتماد ساز متناسب با الگوهای جامعه شناسی تاریخی خاص هر کشور (در اینجا ایران) مشخص و در راستای آن زمینه های نهادی سازی سیاستها و برنامه ها را بر محوریت آن تدوین نمود.

### حصول به اعتماد :

در نوشته های جامعه شناختی، مفهوم اجتماعی هم به عنوان ویژگی افراد، ویژگی ارتباطات اجتماعی - هنجاری و هم ویژگی های نظام اجتماعی و سازمانی با تاکید بر رفتار مبتنی بر تعاملات و سوگیری ها در سطح میان فردی مفهوم سازی شده است. لذا دستیابی به اعتماد از طریق تعامل دوجانه یا بیشتر در دو بعد پیوند یا تعامل ذهنی (میان فردی) و عینی (میان سازمانی یا شبکه ای) مطرح می باشد. پیوندهای ذهنی

<sup>35</sup> Misztal

<sup>36</sup> Ouchi

<sup>37</sup> Knack, Keefer

<sup>38</sup> wendy



شامل روایتها و هنجارهای مشترک پیوندی و دارای ماهیت متقابل، مبتنی بر اعتماد و هیجان های مثبت است. در مقابل پیوند های عینی و شبکه ای نوعی ساختار برقرار کننده ارتباط بین افراد درون سازمانی است. یعنی افراد در فضای اجتماعی - سازمانی با یکدیگر پیوند داده می شوند .

۱- بعد ذهنی روایتها و هنجارهای اعتماد ساز :

شامل زبان مشترک ، استعاره ها ، دین و ... است . زبان به عنوان ابزار مکالمه و تبادل اطلاعات " بر اداراک ما اثر می گذارد " (پوندی و میتروف<sup>۳۹</sup>، ۱۹۷۹، ص ۷۹) یک زبان مشترک ترکیب قابلیت ها و استعداد را افزایش می دهد. دانش از طریق توسعه مفاهیم جدید زبانی تکوین می یابد (اور<sup>۴۰</sup>، ۱۹۹۰، ص ۱۹۶) همچنین داستان ها ، استعاره ها و ضرب المثل ها ابزار قدرتمندی برای تبادل اطلاعات هستند که جوامع از آن برخوردارند. زمانی که اجتماع با وضع قانونی رفتار خاصی را مورد کنترل قرار می دهد که این کنترل نه توسط فاعل آن رفتار بلکه توسط سایرین اعمال می شود که در اصطلاح آن را هنجار می گویند. بنابراین فرم ها و هنجارها موید میزان اجماع در یک سیستم اجتماعی است. کلمن اظهار می کند که " جائیکه هنجاری وجود داشته باشد و مورد استفاده قرار گیرد، می تواند یک نوع سرمایه اجتماعی قوی هر چند شکننده را به وجود آورد " (کلمن، ۱۹۸۸، ص ۱۵۵). دین و ایدئولوژی هنجار دیگری است که بر ایجاد سرمایه اجتماعی تاثیر می گذارد و می تواند با تحمیل این خواست به فرد که به سود چیزی یا کسی غیر از خودش عمل کند، اعتماد بین طرفینی به وجود آورد. این امر در اثراتی آشکار است که ایدئولوژی مذهبی در وادارکردن افراد، به توجه به منافع و خواسته های دیگران دارد. تاثیر غیرمستقیم و نسبتاً شگفت انگیزی از مقایسه مدارس مذهبی و غیرمذهبی ملاحظه شده است. مدارس خصوصی وابسته به سازمانهای مذهبی در آمریکا، به رغم معیارهای انضباطی انعطاف پذیرترشان، میزان ترک تحصیل بسیار کمتری از مدارس خصوصی غیرمذهبی یا مدارس دولتی دارند. علت آشکار، سرمایه اجتماعی در دسترس مدرسه وابسته به سازمانهای مذهبی است که برای بیشتر مدارس دیگر، خصوصی یا دولتی، وجود ندارد. این امر تا اندازه ای به ارتباطات اجتماعی - ساختاری بین مدرسه و والدین، از طریق اجتماع مذهبی بستگی دارد. با وجود این، تا اندازه ای به این اصل ناشی از آئین مذهبی بستگی دارد که هر فردی از نظر خداوند مهم است. یک نتیجه این اصل این است که جوانان خیلی کمتر احتمال دارد که از طریق بی توجهی از نظر اداری از دست بروند. به علت ایدئولوژی مذهبی مدیر مدرسه، کارکنان، و اعضای بزرگسال اجتماع مذهبی که با مدرسه ارتباط دارند، به نشانه های بیگانگی و کناره گیری به طور سریعتر پاسخ داده می شود.

۲- بعد ساختاری و شبکه ای اعتماد ساز :

بعد ساختاری شامل الگوی پیوندهای میان اعضای گروه و ترکیب سازماندهی شبکه و همینطور به سازمان " قابل دسترس " ۴۱ مربوط است. در اینجا شبکه به مفهوم اعضای یک گروه یا سازمان است. پیوندها کانال هایی برای تبادل اطلاعات فراهم می کند، اما ساختار کلان این پیوندهای شبکه ای نقش مهمی را در اعتماد ایفاء می کند که می تواند بر ایجاد توسعه سرمایه های کلان کمک کند (ایبارا<sup>۴۲</sup>، ۱۹۹۲، ص ۲۱۰). لازمه

<sup>39</sup> pondy, Mitroff

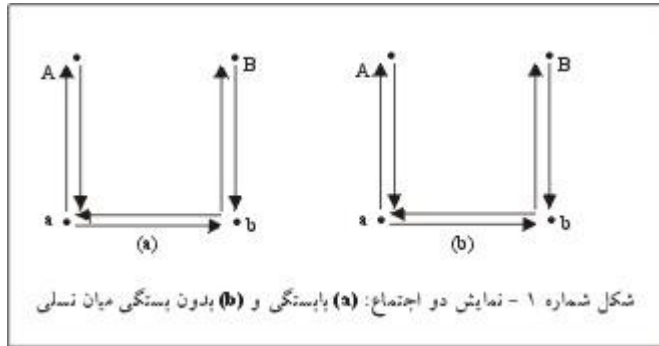
<sup>40</sup> orr

<sup>41</sup> Appropriate Organization

<sup>42</sup> Ibarra

انجام هر عمل و اقدامی داشتن اطلاعات است ولی جمع آوری این اطلاعات زمان بر و توام با صرف هزینه بالایی است؛ اما این مسئله را روابط اجتماعی حل می کند (کلمن، ۱۹۸۸، ص ۹۸). در داخل شبکه روابطی میان بازیگران به وجود می آید که موجب تبادل اطلاعات لازم برای فعالیت ها می شود. هر چند این روابط برای مقاصد دیگری ایجاد می شود ولی می توان از مزیت پخش اطلاعات این روابط در جهت منافع شخصی و سازمانی سود برد (ناهاپیت و قوشال<sup>۴۳</sup>، ۱۹۹۸، ص ۱۲۰). پیچیده ترین سیستم های اعتماد در موقعیت مشارکت یا همکاری بوجود می آیند. اهمیت اعتماد از طبیعت انسان ها به عنوان موجودات اجتماعی ناشی می گردد که می توانند بیشتر نیازهایشان را از طریق هماهنگی با هم برآورده نمایند. افراد بیشتر در ارتباط با کنش های یکدیگر عمل می کنند. مشارکت و همکاری زمانی به وقوع می پیوندد که انجام کنش ها بصورت همزمان و به شکل جمعی صورت گیرد. هدف از انجام کنش ها، برخی اهداف مشترک می باشد که هر یک از افراد به صورت انفرادی توانایی رسیدن به آن را ندارند. در چنین موقعیت هایی موقعیت هر کس بستگی به کنش های انجام گرفته توسط افراد دیگر دارد و این بطور معناداری عدم تعین و ریسک پذیری را افزایش می دهد. بنابراین در چنین فضایی همکاری و مشارکت تبادل اعمال بین افراد اهمیت خاصی پیدا می کند و منجر به اعتماد می گردد. اعتماد همانند هنجارها و روایتها در یک محیط سازمانی بوجود می آید اما به محیط های دیگری سرایت می کند. به عنوان مثال اعتمادی که در خانواده رشد و نمو کرد، به محیط های دیگر سرایت پیدا می کند و وارد محیط کار نیز می شود. به عبارت دیگر سازمان اعتماد را به یک منظور به وجود می آورد ولی به منظوره های دیگر هم به کار می برد (فوکویاما، ۱۹۹۷، ص ۲۵). فرایندی که از آن به عنوان فروبستگی سازمانی نام می برند. اثر فروبستگی، بویژه با در نظر گرفتن سیستمی شامل والدین و کودکان به خوبی می تواند مشاهده شود. در اجتماعی که مجموعه وسیعی از انتظارات و تعهدات، بزرگسالان را به هم پیوند می دهد، هر بزرگسالی می تواند از حساب مشترک خود با دیگر بزرگسالان برای کمک به نظارت و کنترل فرزندان استفاده کند. اگر A و B در اجتماعی بزرگسال باشند و a و b به ترتیب کودکان آنها باشند، در آن صورت فروبستگی در جامعه می تواند مانند شکل ۱ (a) تصویر شود که در آن پیکانها از کنشگری به کنشگر دیگر مجدداً نمایانگر وابستگی دومی به اولی از طریق رویدادهایی است که اولی کنترل می کند. فقدان فروبستگی در شکل ۱ (b) نشان داده شده است، که در آن والدین، A و B دوستانی در خارج از این اجتماع دارند. در اجتماعی مانند آنچه که در شکل ۱ (a) نشان داده شده است، A و B هر دو می توانند از تعهدات متقابل خود برای کمک به پرورش کودکانشان استفاده کنند و می توانند هنجارهایی درباره رفتار کودکانشان به وجود آورند. کنشهای هر کودک a یا b برونبودهایی مستقیم یا غیرمستقیم، هم بر A و هم بر B در هر دو اجتماع تحمیل می کنند؛ اما تنها در اجتماعی که به وسیله شکل ۱ (a) نشان داده شده است فروبستگی موجود به B, A امکان می دهد هنجارهایی برقرار و اعمال ضمانتهای اجرایی یکدیگر را در مورد کودکان تقویت کنند. (کلمن، ۱۳۷۷، ۴۷۸).

<sup>43</sup> Nahapiet & Ghoshal



درهم گسیختگی سازمان اجتماعی یا روابط اجتماعی می تواند برای سرمایه اجتماعی بسیار ویرانگر باشد. اختراع اجتماعی سازمانهایی که به جای افراد، مشاغل و سیستم عناصر ساختار را تشکیل می دهند شکلی از سرمایه اجتماعی فراهم کرده است که می تواند ثبات را در برابر بی ثباتی افراد حفظ کند. در مواردی که افراد، صرفاً اشغال کنندگان مشاغل هستند، تنها عملکرد شاغلان، نه خود ساختار، با تحرک افراد دچار اختلال می شود. اما برای هر شکل دیگر سرمایه اجتماعی، تحرک فردی، کنش بالقوه ای را به وجود می آورد که نابودکننده خود ساختار و بنابراین، اعتماد حاصل از آن خواهد بود (همان ۴۹۰).

دولت نیز در فرایند توسعه اجتماعی و اقتصادی نقش محوری دارد، با این حال نه به عنوان فراهم کننده مستقیم رشد بلکه به عنوان یک شریک، عامل تسریع و تسهیل کننده در روند توسعه (بانک جهانی، ۱۳۷۸، ۲) تشویق و تقویت تشکیل نهادهای مدنی؛ تقویت و غنی سازی آموزشهای عمومی؛ تامین امنیت شهروندان در جهت حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی؛ پرهیز از تصدی گری بخشهای مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و واگذاری فعالیتهای مربوطه به نهادهای مردمی برای جلب مشارکت آنها در فعالیتهای و زمینه سازی ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه های اعتماد بین آحاد مختلف مردم (همان، ۴۰). شاید مهمترین بعد کیفیت در بخش دولتی، رفتار مناسب و عادلانه با ارباب رجوع آنها باشد. یکی از مسائل که موجب از میان رفتن سرمایه اجتماعی می شود رفتار ناعادلانه با مردم توسط سازمانهای دولتی است. برای ایجاد سرمایه اجتماعی کارگزاران بخش دولتی باید بر این عارضه غلبه کرده و نوعی رفتار توأم با عدالت را با دیگران برقرار سازند. از این رو، بایستی در انتخاب کارمندی که در تماس با مراجعه کنندگان هستند، دقت ویژه کرد و آنهایی را برگزید که دارای خصوصیات بارز اخلاقی باشند. شهروندان و مدیران بخش عمومی می باید به مثابه دو شریک در راه تاسیس نهادهای آزادمنشانه یا مراکز یادگیری همت گمارند. با تحصیل دانش، شهروندان و مدیران می توانند بهتر با یکدیگر کار کنند و از ابتدای کار در اجرای اموری که تعیین و مشخص گردیده اند، مشارکت ورزند. یکی دیگر از مهمترین فرایندهای موجود اعتماد ساز شبکه ای در جوامع برای ایجاد سرمایه اجتماعی، آموزش است. گذر افراد از آموزشهای عمومی در تمامی سطوح و نیز آموزشهای دانشگاهی، نقش اصلی را در ایجاد سرمایه اجتماعی بازی می کنند. مؤلفه های فرهنگی در سطح جامعه به شدت متأثر از عملکرد نظامهای آموزشی و تربیتی هستند. در سطح سازمانی نیز دوره های آموزشی کارکنان می توانند بستر مناسبی برای تقویت سرمایه اجتماعی باشد.

## ایران و فرایند اعتماد سازی :

در ایران هم در سال های اخیر موضوع سرمایه اجتماعی از لحاظ نظری و تجربی مورد توجه قرار گرفته است. مسعود چلبی در یکی از آثار خود با عنوان "جامعه شناسی نظم" ضمن اشاره به نظرات کلمن سرمایه اجتماعی را گزینه های رابطه ای می داند که در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای یک موضع اجتماعی در شبکه تعاملی جامعه شکل می گیرد. این گزینه های رابطه ای برای اشغال کننده یک موضع اجتماعی می توانند سرمایه بالقوه ای باشند که در روابط اجتماعی تبدیل به ذخایر قدرت، ثروت، نفوذ، و معرفت شوند (۱۳۷۵، ۳۸)

محمد عبداللهی هم در تحلیل برخی از مسایل اجتماعی نظیر قانون گریزی و نزاع های جمعی بین طوایف بر اهمیت نقش سرمایه اجتماعی تاکید نموده و در تعریف توسعه اجتماعی به معنای اخص کلمه از شاخص های اصلی سرمایه اجتماعی نظیر انسجام جمعی و "اعتماد اجتماعی" استفاده کرده و تحکیم اجتماع جامعه ای و اعتماد تعمیم یافته بین گروهی را به عنوان راهبرد اصلی توسعه اجتماعی مطرح کرده است (۱۳۸۴، ۱۹۵-۲۰۰).

بر اساس پژوهش انجام گرفته توسط محمد عبداللهی و میرطاهر موسوی تحت عنوان "سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان شناسی گذار" که در فصلنامه علمی پژوهش رفاه اجتماعی به چاپ رسیده است میزان سرمایه اجتماعی در ایران در مجموع از لحاظ اغلب مولفه های چندگانه و شاخص های عدیده مرتبط با آنها پایین است، میزان آن در زمینه روابط انجمنی بویژه قبول مسولیت اجرایی در نهادهای مدنی یا کمک فکری به آنها پایین است. این امر نشان می دهد که در ایران امر روزی خیر جمعی تحت شعاع مسائل اقتصادی و گروهی است، در بعد هنجارها و اعتماد اجتماعی بویژه اعتماد به نهادها و گروههای اجتماعی خوب است ولی اعتماد مردم به مسولان و اطمینان آنان از رعایت حقوق و تکالیف شهروندی در وضعیت خوبی نیست. در بعد پیوندها و اعتماد بین فردی هم سرمایه اجتماعی از لحاظ رفت و آمد و همکاری با دیگران و اعتماد به آنان بالا ولی در زمینه احساس دوستی و تعلق به دیگران و شرکت در فعالیت های جمعی آنان پایین است. در بعد همبستگی و انسجام اجتماعی هم سرمایه اجتماعی در ایران از لحاظ میزان پذیرش اجتماعی و مدارای قومی و مذهبی خوب ولی در زمینه انسجام بین قومی پایین است. بنابراین می توان گفت که سرمایه اجتماعی در ایران بجز در موارد بویژه در بعد روابط انجمنی که از مولفه های اصلی سنتی و سرمایه اجتماعی قدیم می شود، در اغلب موارد بویژه در بعد روابط انجمنی که از مولفه های اصلی سرمایه اجتماعی جدید بشمار می رود چندان مطلوب به نظر نمی رسد. بطور کلی می توان گفت که در ایران سرمایه اجتماعی قدیم یا درون گروهی (بین آشنایان) بیشتر از سرمایه جدید یا بین گروهی (بین غریبه ها) است. هرچه از سطح خانواده به سطوح بالاتر یعنی خویشاوندان، دوستان، همکاران، همسایگان، هم محله ها، همشهریان و هموطنان حرکت کنیم از میزان سرمایه اجتماعی کاسته می شود. این کاهش در زمینه های مشارکت جمعی و اعتماد اجتماعی بیشتر است. غالب بودن سرمایه اجتماعی قدیم در ایران ضمن اینکه برای آشنایان و اعضای درون گروهی غیر رسمی خانوادگی، فامیلی و غیره می تواند مفید باشد و نقش مثبتی در تسهیل کنش های افراد و پیش گیری در آسیب ها و... ایفا نماید، ممکن است به مقتضای تعهداتی که افراد نسبت به آن گروه ها پیدا می کنند در سطوح بالاتر نقش منفی ایفا کند و از مشارکت جمعی عام و بسط اعتماد اجتماعی در بین ایرانیان جلوگیری نماید و حرکت در مسیر توسعه را کند و آهسته نماید.

بدین ضرورت برای تقویت منبع سرمایه اجتماعی به خصوص از نوع جدید و نهادینه آن (بین گروهی و عام) متناسب با جایگاه جامعه شناسی اسلامی- ایرانی به دنبال معرفی شاخصهای جدید هستیم. با ارائه مباحث تئوریک در خصوص سرمایه اجتماعی و معرفی "اعتماد" به عنوان زیربنای ساختاری آن در دو بعد تعامل و پیوند ذهنی - فردی و تعامل و انسجام شبکه ای - سازمانی اینک به انطباق بحث با ایران و ارائه پیشنهادها در خصوص برنامه پنجم توسعه کشور می پردازیم. در خصوص مباحث ذهنی و فردی اعتمادساز به میمنت برخورداری از فرهنگ و تمدن کهن ایرانی - اسلامی اصالت نژادی و زبانی درایت و توانمندی رهبران فرهنگی و سیاسی کشور در طول سه دهه بعد از انقلاب و مهمتر از همه تمسک به فرهنگ و مکتب اهل بیت علیهم السلام و التزام به نظریه "ولایت فقیه" کمتر با مشکل اعتماد روبرو بوده ایم اما این نباید دلیل بر غفلت از تقویت این عناصر باطنی و درون ذهنی برای تجدید و احیای مداوم "اعتماد" باشد. بدین ضرورت در خصوص مسائل پیوند درونی و غیر شبکه ای در کشور ابتدا "مسئله ولایت" و مبحث "دشمن شناسی" به عنوان دو اصل ثابت و نهادی اعتماد ساز و محور ائتلاف و تعامل اجتماعی و در حوزه تعامل و پیوند شبکه ای و سازمانی به جایگاه دیوان سالاری و سازمان و نقش آن در پروژه تقویت اعتماد و استحکام سرمایه اجتماعی که با فهم آنها شرایط تئوریک را برای اعمال و بکارگیری سیاستهای صحیح در برنامه پنجم فراهم می آورد اشاره می نماییم.

## "ولایت"

نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر نهاد "ولایت" در اندیشه بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران بر رهیافت ایجابی دولت با محوریت "ولایت فقیه" استوار است. "ولایت فقیه" از موضوعاتی است که تصور آن موجب تصدیق می شود و چندان نیاز به برهان احتیاج ندارد به این معنی که هر کس عقاید و احکام اسلامی را حتی اگر اجمالا دریافته باشد چون به "ولایت فقیه" برسد و آن را به تصور آورد بیدرنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت. (امام خمینی، ۱۳۷۴) (۵) تصویری که هم مبتنی است بر نص نهادی و هم بر عقل نهادی. در نص نهادی و بطور آشکاری در قرآن کریم در آیات معروفی همچون آیه "ولایت (مائده ۵۵)، تطهیر (احزاب ۳۳)، اولی الامر (نساء ۵۹) و مودت ذی القربی (شورا ۲۳)" و در سنت پیامبر اکرم به واسطه احادیث متواتری همچون "حدیث دار یا انذار، منزلت، ثقلین و غدیر" توصیه می شود. در عقل نهادی نیز به ضرورت فلسفی وجود "ریس اول" در اندیشه فلسفی ایرانی اسلامی (فارابی ۱۳۵۸) (۱۴۴)، "فلسوف" در فلسفه یونان باستان و "قائده لطف" در اندیشه عقلی خواجه نصیر طوسی مطابق با منطق ارسطویی در قالب "نصب امام لطف است / لطف بر خداوند واجب است / پس نصب امام بر خداوند واجب است" (علامه حلی ۱۴۱۷ ق) (۴۹۰) و ولایت عام امام بر بنده انسانی در راستای ولایت خدا بر انسان، ثابت است و در ضرورت آن در سراسر زندگی بشر خارج از زمان و مکان شکی نیست. و در زمان غیبت نیز این ولایت خدشه ناپذیر و اذان فقیه زمان است. بدین ترتیب همانطور که از اندیشه علامه حلی بر می آید بر مکلف واحد نیز نیاز به امام ضروری است چه بسا برای یک اجتماع. (علامه حلی - ۱۹۶۹ م ۱۳۸۸ (۳۰))

بدین لحاظ ولایت در دنیای امروز در ولایت عام و مطلق فقیه محور اتصال و تعامل و فصل الخطاب تمام پیوندهای فردی و درون سازمانی و خارج از مدار مدیران و کارویژه آنها منبع اعتماد و باور همگان به نظام و سیستم فراتر از گروهها، اشخاص، بازیهای سیاسی و روشهای مدیریتی است.

## " دشمن شناسی "

نهاد عرفی و بومی دیگر در نظام جمهوری اسلامی وجود دشمن و شناخت آن است. این نهاد نیز برآمده از سنت و نص صریح اسلامی در مفاهیمی مانند دارالسلام ( قلمرو اسلام که شعایر و مظاهر دینی در آنها جاری و ساری است ) در مقابل دارالکفر و دارالحرب (خارج از قلمرو و نفوذ اسلام ) ( عمید زنجانی ، عباسعلی ۱۳۶۵)(۱۰۸ به بعد ) نمود آشکار دارد . در آیهی ۲۱۷ سورهی مبارکهی بقره " و لایزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم إن استطاعوا". بمعنای اینکه دشمنان شما همواره با شما در جنگ هستند. واژه لایزالون، دلالت بر استمرار دارد و گویای این است که دشمنان همیشه با شما در جنگ هستند. واژه لایزالون، و زمانی نوع این جنگ ممکن است متفاوت باشد. گاهی جنگ، جنگ نظامی است گاهی اقتصادی است و گاهی نیز فرهنگی. همچنین آیهی ۱۹۴ سورهی بقره می فرماید: "فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ"؛ یعنی وقتی دشمنان با شما وارد جنگ شدند، شما هم با آنها مقابله به مثل کنید. اگر جنگ، جنگ نظامی است باید از طریق نظامی وارد شد؛ " و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه". اگر جنگ، جنگ اقتصادی است، به همان شیوه و اگر جنگ، جنگ فرهنگی و فکری است باید مقابل به مثل ما هم به همان صورت شکل بگیرد. فرایندی که همواره در تاریخ بوده و در اشکال جدید بازتولید خواهد شد . امروزه ابزارهای "ناتوی فرهنگی" برای بی ثبات سازی نظام امنیت اجتماعی و تحلیل اعتماد در جامعه و تضعیف سرمایه اجتماعی از طریق گسترش هدفمند شبکه های ماهواره ای است. به عنوان مثال هم اکنون ۵/۴ میلیون گیرنده ماهواره ای غیر مجاز در کشور فعال است و از ۱۷ هزار و ۶۶۶ شبکه ماهواره ای جهانی، نزدیک به سه هزار شبکه در داخل کشور قابل دریافت است. از این تعداد ۳۸۰ شبکه به موسیقی، ۷۴ شبکه به تبلیغات مد لباس و لوازم آرایش، ۲۷۳ شبکه به تبلیغ ادیان ساختگی و ۲۳۵ شبکه به برنامه های مبتذل اختصاص یافته اند. ( آرین منش ، ۱۳۸۷ )

از طرفی مجلس نمایندگان ایالات متحده با تخصیص بودجه سالانه به توسعه شبکه های ماهواره ای فارسی زبان ضد انقلاب، بصورت مستقیم در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران مداخله می کند زیرا این شبکه ها با بهره گیری از ترفندهای تبلیغاتی تلاش می کنند زمینه های ناامنی های مدنی در پنج سطح صنفی، دانشجویی، قومی، فرقه ای و اجتماعی را فراهم کنند.

تحریک به ایجاد و گسترش برخی تنش های قومی در استان های غربی کشور توسط عوامل جاسوسی رژیم صهیونیستی در کردستان عراق و جمهوری آذربایجان حداقل شواهد آن است . افشای بودجه اداره اطلاعات ملی امریکا برای چندمین بار که بصورت رسمی بودجه این اداره در سال های ۱۹۹۷، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۷ به ترتیب برابر ۲۶/۶، ۴۳/۵ و ۲۶/۷ میلیارد دلار بوده <sup>۴۴</sup> بیانگر جهش قابل توجه بودجه شبکه های جاسوسی امریکا پس از یازده سپتامبر و با هدف رفع خلأ اطلاعاتی عملیات های مداخله جویانه ایالات متحده می باشد که بخش قابل توجهی از آن شامل تأمین مالی طرح های جاسوسی در خاورمیانه مانند جمهوری اسلامی ایران

<sup>44</sup> www.fas.org

است. تأسیس میز مخصوص مطالعات ایران در وزارت امور خارجه و پنتاگون و یا ایجاد دفاتر ویژه مربوط به ایران بویژه در شهرهایی مانند باکو، استانبول، دبی، نجف، کربلا و بصره که محل تردد تعداد زیادی از ایرانیان است که یکی از کارویژه های آنها جذب نخبگان علمی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و یا تبدیل آنان به عوامل نفوذی در نهادهای استراتژیک امنیتی، نظامی و اقتصادی است. حمایت از گروه های ضاله مانند پیروان وهابیت و بهائیت با بهره گیری از برخی کاستی های نواحی کمتر توسعه یافته استان های مرزی مانند کرمان، و ترویج عقاید گمراه کننده به اعتماد و اعتقاد و باور را در جامعه هدف قرار داده است.<sup>۴۵</sup> «تولید مواد مخدر در عرض هشت سال ۴۰ برابر شده، حجم اصلی ترانزیت این مواد از سه فرودگاه تحت کنترل ناتو به سمت کشورهای غربی صورت گرفته و تجهیزات مربوط به ۳۳۰ آزمایشگاه تولید مواد مخدر در افغانستان از سوی کشورهای غربی تأمین می شود» (لاریجانی، ۱۳۸۷) (تهدید امنیتی رشد قاچاق و مصرف مواد مخدر در ایران به حدی است که بنا بر اعلام رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا «در هفت ماه اول سال ۱۳۸۷؛ ۳۵۲ تن انواع مواد مخدر کشف شده که نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن ۳۰ درصد رشد را نشان می دهد. پیش سازهای تولید هروئین نیز از کشورهای غربی مانند آلمان، روسیه، چین، هلند و کره جنوبی بصورت غیرقانونی از راه امارات وارد افغانستان می شود» (حسین آبادی، ۱۳۸۷) (از طرفی در سال ۱۳۸۶؛ درصد مصرف تریاک، کراک و هروئین به ترتیب ۳۲/۸، ۲۵/۷ و ۱۸/۳؛ بوده است که بیانگر تغییر الگوی مصرف از مواد مخدر سنتی به مواد مخدر صنعتی و قرص های روانگردان می باشد). رفیعی، ۱۳۸۷) (به طور کلی پروژه " ناتوی فرهنگی " که مقام معظم رهبری آن را مورد تاکید و توجه قرار دادند، مشتمل بر خط تهاجمی دشمن و تلاش آنان برای ورود به عرصه های ذهنی اعتماد و باور است تا با سیاه نمایی، بهره گیری از حربه تهدید و ایجاد رعب و وحشت میان اذهان درونی، اغراق کردن و بزرگ نمایی یک موضوع و تاریک نشان دادن آینده علیه ایران به هدف اصلی خود یعنی تضعیف سرمایه اجتماعی و از هم پاشیدن وحدت و پیوند ناگسستنی ملتی است که سه دهه با تمام فشارها و کاستی ها، صبر و مقاومت پیشه کرده است. چرا که نظام جمهوری اسلامی با اذعان به پدیده عدم حقانیت سیاست جهانی در پی استقرار نظام حقانی در جهان می باشد. این نوع نگاه ضرورت بازشناسی مفهوم "حق در برابر باطل" را به صورت مکرر و شناخت پیروان آنها را آشکار می نماید چراکه "قلمرو دولت اسلامی، عقیدتی و مبتنی بر مرز ایمان و کفر است" (عمید زنجانی، عباسعلی ۱۳۷۳) (۳۳) و ماهیت نظام اسلامی با دشمن و غیر باطل، معنا می یابد. در چنین بستری خارج از این نهاد اعتماد ساز، ماهیت نظام با بحران روبرو خواهد بود و بدون وجود غیر، نظام هویت و معنا بخشی خود را از دست خواهد داد که حداقل در کوتاه مدت شعایر و نمادهای ارزشی و نهادی نظام، اعیاد، جشنها و مراسمات ملی مذهبی و انقلابی را همچون روز قدس، ۱۳ آبان، ۲۲ بهمن و..... با بحران معنا روبرو خواهد نمود و در بلند مدت نظام با شکاف قدرت تحلیل می رود. ابتدا بایستی درک کنیم که جنگ و دشمن بر علیه نظام و تفکر مقدس ما تمامی ندارد و باید به عنوان یک اصل اعتقادی و الهام بخش و باور ساز بدون هیچ تسامح و اهمال در آن جهت حفظ اعتماد جامعه نگریسته شود. بدین ترتیب آنچه از دو نهاد بومی "ولایت" و "دشمن شناسی" در جمهوری اسلامی بر می آید فراهم کردن زمینه استقلال نهادی و بومی کشور و تلاش برای پرهیز از هرگونه هرج و مرج داخلی، بی اعتمادی و شکاف نخبگان قدرت به واسطه پذیرش اصل "ولایت" به عنوان اصلی عام، نهادی و فصل الخطاب برای همگان هم به

<sup>45</sup> www.tabnak.ir

ضرورت شرعی و هم به ضرورت عقلی از یک طرف و در دنیای پر از کینه و دشمنی بر علیه نظام از طریق شناخت دوست از دشمن از طرف دیگر .

اما در خصوص بعد سازمانی و شبکه ای منبع تعامل و پیوند در وجه عینی و ملموس آن یعنی اداره و دیوانسالاری است .

محور دیوانسالاری در ایران نیز نه تخصص ، انسجام و شایستگی بلکه ابهام و نوعی رکود فکری و روزمرگی می باشد . " دیوان سالاری همواره دارای حفره های تاریک و نقاط کور بوده که رانت و فساد اقتصادی در چارچوب آن تشویق می شده است. این دیوانسالاری دارای ترکیبی ناخوشایند از بازمانده های الگوی کهن، نظام وبری و مدیریت دولتی نوین بوده که هر تغییر و تحولی صرفاً باز تولید مدرن همان ساختارهای قدیمی بوده که پیامد آن تبارگرایی، رفیق گماری و بی ثباتی منزلتی دیوانیان بوده است . " (اشتریان ۱۳۸۶، ۱۰۵ - ۹۹) همچنین منطق " بی نظمی سازمان یافته " <sup>۴۶</sup> و پیامد آن فرد گرایی منفی در حقوق عمومی و اداری زمینه سرهم بندی امور، گسترش ابهام نسبت به آینده فرد ، بی اعتمادی نسبت به سازمان و ترجیحات هردوی اینها فراهم می آورد که در درون آن رانت ، اولویت دادن منافع فردی بر سازمانی و حرکت نامتعارف فرد در چارچوب سازمان است که با بهره گیری از ابزارهای متغیر خیلی زود بر نفوذ و قدرت خود در سازمان و سلسله مراتب آن می افزاید و یا ناامیدی و یاس را در صورت عدم همراهی شرایط بی ثبات ، منجر می شود که در هردو صورت دیوان سالاری را از اصول شایسته سالاری الگوی وبری محروم می کند . به طور کلی این وضعیت محصول فقدان نهاد " تعامل و همکاری اعتماد ساز " بین اعضای شبکه در وهله اول و سازمان و جامعه در مرتبه دوم در بدنه دیوان سالاری ایرانی است که در ادامه به آن می پردازیم . در حوزه اداری آنچه همواره حلقه گمشده بوده ، شاخص نهادی " تعامل و همکاری " در معنای واقعی بوده است که به تبع آن اقتصاد کشور را در بن بست قرار داده است . منظور از " تعامل " روابط و پیوندهای اولیه و ظاهری نیست بلکه منظور همپوشانی و وابستگی متقابل می باشد . امروز در ایران با تغییرهای مکرر الگوهای سیاسی یا اقتصادی توسط کارگزاران شاهد تغییر و تحول های عمده در حوزه های مدیریتی و دیوانی هستیم . تغییرهای پی در پی هرگونه ثباتی را برای برنامه ریزی ، آینده نگری و امید به آینده را مخدوش نموده است .

در حوزه اداری و دیوانی نیز آنچه مورد غفلت واقع شده اصول نهادی تعامل و تلاش برای شکل گیری وابستگی متقابل سازمانها و نزدیکی آنها و از بین رفتن فاصله ها و شکاف های اداری که همواره منبع تولید رانت و بی نظمی بوده است می باشد . فرایندی که همواره با حفره های تاریک همراه بوده و جابجایی مدیران ارشد کل سیستم اداری و مدیریتی را با بی ثباتی و تغییرات پی در پی روبرو می کند . بدین لحاظ باید شرایط را برای پرهیز از سیاست زدگی دیوان سالاری ، پیوند بین سازمانها از طریق ادغام نهادهای اداری و وزارتخانه های با کارویژه مشابه و نزدیکی ارگانهای دولتی در فضایی جغرافیایی یکسان و قابل دسرس تر را در بلند مدت فراهم آوریم . برای ارتقای نهاد تعامل در بدنه اداری باید به رویکرد سیستمی و نگرش کل گرایانه نسبت به امور اداری روی آورد . " هر سیستم مجموعه ای است از اجزای تشکیل دهنده آن و روابط و آثار متقابل این اجزا با یکدیگر .... " (دوروسنی بیشون ۱۳۷۰، ۹) نگرش کل گرایانه یا سیستمی در حذف فصل تمرکزگرایی اداری و تمرکززدایی قرار دارد زیرا هردو این تفکر منجر به بی ارتباطی و عدم تعامل پویا و بی اعتمادی در هر



دو بستر ذکر شده در بلند مدت در شبکه های اداری است. اما در نگرش سیستمی به کمک توسعه تکنولوژیک و فناوری الکترونیک مراکز اداری با شکل دهی به یک پایگاه اطلاعات داده های همه شهروندان کشور به صورت تمام وقت و شفافیت به همدیگر پیوند می خورد که در بلند مدت امور اداری کشور و بروکراسی پیچیده را کاهش می دهد و در مقابل خدمات رسانی ارتقاء که هم از حجم حفره های تاریک می کاهد و هم بستری برای کاهش تبعیض ها و نابرابری های اقتصادی در کشور است. در چنین محیط به هم پیوسته و دارای وابستگی متقابل نظام مسئولیت اداری - ریاستی جای خود را به نظام مسئولیت دبیرخانه ای می دهد. (اشتریان ۱۳۸۶) (۱۴۲) برای مثال وزارتخانه کشاورزی به طور آشکاری با سازمانهای مالیاتی و گمرکی پیوند می خورد و در صورت اتخاذ هر تصمیمی در خصوص واردات کالایی همچون برنج و چای قبل از اعمال واردات، پیامدها و عوارض مثبت و منفی آن در بدنه بازار و مصرف کنندگان از یک طرف و تولیدکنندگان کشاورزی از طرف دیگر آشکار می گردد. بدین ترتیب از دوباره کاری و لغو و فسخ تصمیمات اداری و گاهی مصوبات قانونی به طور آشکاری کاسته می شود. نمونه اخیر فقدان این رویکرد سیستمی و همپوشانی "عامل و همکاری" تصمیم عجولانه و ناصحیح در خصوص کاهش تعرفه واردات خودرو از ۹۰ درصد به ۷۰ درصد بود که بعد از کش و قوسهای زیاد دوباره مجلس و نهاد دولت و صنایع وابسته به خودرو را بر آن داشت تا دوباره به تجدید نظر، لغو، فسخ و دوباره کاری اداری روآورند یا همچنین در نحوه تبدیل لایحه هدفمندی یارانه ها به قانون که فقدان یک رویکرد "عامل و همکاری بین نهادی" دوباره کاری را محور فعالیتهای مجلس و دولت قرار داده بود که کمترین هزینه آن اتلاف زمان در سالی است که با رهنمود "همت مضاعف و کار مضاعف" باید آن را غنیمت شمرد. بدین ضرورت مهمترین لازمه رهنمود رهبری در خصوص "همت مضاعف و کار مضاعف" شناسایی منابع بلقوه "اعتماد و باور" هرچه بیشتر هم در عرصه ذهنی و هم در عرصه عینی و عملی است.

### نتیجه گیری: برنامه پنجم و راهکارها

دردنیای امروز سرمایه ای برتر از سرمایه اجتماعی و درون ملی که به عنوان زیرساخت سایر سرمایه ها محسوب می شود وجود ندارد. بدین لحاظ با اذعان به اهمیت این سرمایه، که منبع عمده آن "اعتماد و باور" در جامعه است بایستی در جهت تجهیز هرچه بیشتر قطار توسعه و پیشرفت کشور به این سرمایه بهای بیشتری داده شود و لازم است در برنامه پنجم توسعه با شناسایی مؤلفه های اعتمادساز و سرمایه ای از بدنه اجتماع، زیرساخت های لازم را برای توسعه در همه ابعاد فراهم کرد. فرایندی که در کشور ایران به لحاظ فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی در بلقوه بودن عناصر آن شکی نیست. عناصری که از بدنه خود اجتماع و فرهنگ ملی و دینی همچون اندیشه "ولایت" "دشمن شناسی" "عامل و همکاری شبکه ای" نشئت گرفته است. بدین لحاظ در چارچوب این الگوی اعتماد ساز راهکارهایی به اجمال پیشنهاد می گردد.

- تحکیم مبانی ذهنی و میان فردی اعتماد از طریق تقویت هویت ملی جوانان به واسطه الگوهای مذهبی و اسلامی و در بستر اعتماد ساز و وحدت زای عمومی همچون (ولایت فقیه و دشمن شناسی)

- تشویق جوان گرایی در مراکز اداری، روحیه نشاط و خودباوری، حمایت عملی بیشتر از صاحبان اندیشه، ایده و هنربومی جوانان از طریق کار فرهنگی و ملی.

- تقویت بستر فرهنگی در مراکز علمی و دانشگاهی (به تعبیر مقام معظم رهبری دانشجویان به عنوان "افسران جوان" و اساتید به عنوان "فرماندهان خودی جبهه نرم") به خصوص در حوزه علوم انسانی به همراه نظارت و کنترل بیشتر بر موسسات آموزشی خصوصی و دانشگاه آزاد اسلامی .

- حمایت و نظارت فرهنگی بیشتر (مهندسی فرهنگی) و دقیقتر بر موسسات خصوصی بطور خاص موسساتی که در جریان روزانه و در دید عموم مردم مثلاً بازار کالا و خدمات قرار دارند .

- عملی نمودن سیاستهای اداری دیوانی کشور ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی در چارچوب رعایت حقوق شهروندی، مسئولیت پذیری اداری، پاسخگویی، شایسته سالاری و دانش گرایی در حوزه های عملی، عینی و اداری، تقویت شیوه های نظارتی و هدایتی بیشتر در بدنه اجتماع اداری .

- بالا بردن روحیه کار جمعی، انضباط شخصی و سازمانی، احساس مسئولیت کاری، پرهیز از اسراف و زیاده روی هم در بعد سازمانی و هم در بخش میان فردی و خانواده ها.

- لزوم مبارزه متقابل با عناصر "جنگ نرم" و "ناتوی فرهنگی" بازشناسی مدرن آن در حوزه های رسانه ای با تاکید بر بصیرت سیاسی جوانان، حفظ حجاب، احیای بروز اندیشه های فرهنگی و سیاسی معماران انقلاب همچون حضرت امام خمینی، استاد مطهری، آیت الله بهشتی و علمای بزرگوار قم و.....

## منابع

- بیکر، واین، مدیریت و سرمایه اجتماعی، ترجمه سید مهدی الوانی و محمد رضا ربیعی مندجین، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۸۲
- توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه، مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تاکید بر نظریه های سرمایه اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، ۱۳۸۴
- رحمانپور، لقمان، مدیریت سرمایه اجتماعی رویکردی اثر بخش در مدیریت منابع انسانی، فصلنامه مدیریت و توسعه، شماره ۱۹، ۱۳۸۲
- سید نقوی، میر علی، شناخت سرمایه اجتماعی سازمانی به عنوان یک مفهوم چند بعدی، تهران: سومین کنفرانس بین المللی مدیری، ۱۳۸۴.
- شریفیان ثانی، مریم و ملکی سعید آبادی، امیر، سرمایه اجتماعی به مثابه یک سیستم پیچیده، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۲۳، ۱۳۸۵
- فلوریدا، ریچارد، وقتی سرمایه اجتماعی نوآوری را سرکوب می کند، ترجمه راحله چلبی، مجله گزیده مدیریت، شماره ۲۲، ۱۳۸۱
- فوکویاما، فرانسیس، پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: جامعه ایران، ۱۳۷۹
- کلمن، جیمز، بنیاد های نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران: ۱۳۷۹
- بوزان، باری، مردم، دولتها و هراس، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: ۱۳۷۸
- کاظمی، علی اصغر، روابط بین الملل در تئوری و عمل، نشر قومس، تهران: ۱۳۸۴
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیر کبیر، تهران: ۱۳۸۵
- کرباسیان، علی اکبر، روند توزیع درآمد در ایران، ایران فردا، شماره ۱۷، اردیبهشت ۱۳۷۴
- تمدن، محمد حسین، درخشان، مسعود، نکاتی چند درباره امنیت اقتصادی و راه های تامین آن، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۸۲

- عظیمی پور، علیرضا، تاثیر عوامل ساختاری بر پدیده امنیت و یا ناامنی اجتماعی، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۸۲.
- پورسید، بهزاد، امنیت اقتصادی در بعد سرمایه گذاری خارجی، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۸۲
- احمدی، محمدعلی، بررسی سرمایه اجتماعی در ایران و نقش و جایگاه آن در فرایند توسعه کشور، ۱۳۸۶
- پوتنام، رابرت، جامعه برخوردار- سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، انتشارات شیرازه، ۱۳۸۴
- عبداللهی، محمد، علل و موانع قانون گرایی در ایران، نشر طرح نو، ۱۳۸۱
- اشتریان، کیومرث، (۱۳۸۶) "سیاست گذاری عمومی ایران" نشر میزان .
- دو روسنی - بیشون ۱۳۷۰ " روش تفکر سیستمی " ترجمه امیر حسین جهاننگلو نشر پیشبرد.
- عمید زنجانی عباسعلی ۱۳۷۳ " فقه سیاسی " نشر امیرکبیر چ ۳ تهران
- جواد آرین منش (نائب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی)، آخرین آمار دیش های ماهواره ای در ایران، چهارم آذر ۱۳۸۷. [www.asriran.com](http://www.asriran.com)
- جنوب کرمان جولانگه فرقه های ضاله، [www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir)، سوم آذر ۱۳۸۷.
- دکتر علی لاریجانی، افشای نقش فرودگاه های ناتو در انتقال مواد مخدر افغانستان به اروپا، <http://www.farsnews.com>، 24 مهر ۱۳۸۷.
- سردار حسین آبادی (رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا)، کشف ۳۵۲ تن مواد مخدر در هفت ماه اول ۱۳۸۷، پایگاه خبری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، سوم آذر ۱۳۸۷.
- دکتر حسین رفیعی (مجری طرح ارزیابی وضعیت اعتیاد در کشور) مصرف کراک از هروئین پیشی گرفت <http://www.tabnak.ir> پنجم آذر ۱۳۸۷.
- علامه حلی ۱۴۱۷ ق " کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد " تحقیق حسن زاده آملی قم نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم .
- فارابی ، ابونصر محمد ۱۳۵۸ " سیاست مدینه " سید جعفر سجادی تهران نشر انجمن فلسفه ایران
- امام خمینی ، روح الله ۱۳۷۴ " ولایت فقیه ، حکومت اسلامی . قم نشر آزادی بی تا .
- فوکویاما، فرانسیس پایان نظم ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان، چاپ اول، سال ۱۳۷۹.
- کلمن، جیمز، بنیادهای نظریه اجتماعی ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- بانک جهانی ۱۳۷۸ " نقش نهاد دولت در جهان در حال تحول ترجمه حمید رضا برادران شرکا و دیگران نشر موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی تهران.
- Aggarwal, R., Demircuc, -Kunt, A., & Martinez Peria, M. S. (2010). Do remittances promote financial development? *Journal of Development Economics*, doi:10.1016/j.jdeveco.2010.10.005
- Binns, T., & Nel, E. (1999). Beyond the development impasse: The role of local economic
- Bourdieu, P. (2002), The forms of capital. In A. Halsey, H. Lauder, 6-Brown, and A. Wells (Eds.) *Education, Culture, Economy and Society*. Oxford: Oxford University Press, Oxford
- Brown, P. C. (1994). Migrants' remittances, savings, and investment in the South Pacific. *International Labor Review*, 133(3), 347-367.
- Burt, R.S. (2000) The network structure of social Capital, *Institute European Affaires*.
- Coleman, J.S. (1996) "social capital in the creation of human capital" *American journal of sociology supplement*,
- Collier P, Dollar D. Aid allocation and poverty reduction. *European Economic Review* 2002;26:1475e500

- development and community self-reliance in rural South Africa. *The Journal of Modern African Studies*, 37(3), 389–408.
- Elhawary S, Foresti M, Pantuliano S. Development, security and transitions in fragile states. Meeting series report. Overseas Development Institute; 2010.
- F.(1999) "social11-warner ,capital construction and the role of the local state ,rural sociology" pub london,
- Field,J(2003),Social Capital , Routledge , London.
- Fukuyama f.(1997) " economic globalization and culture the merril lynch forum.
- Misati, R. N., & Nyamongo, E. M. (2011). Financial development and private investment in Sub Saharan Africa. *Journal of Economics and Business*, 63(2), 139–151.
- Moreno M, Anderson M. Fragile states: defining difficult environments for poverty reduction. Poverty Reduction in Difficult Environments Team Policy Division. In: PRDE working paper, vol. 1. UK Department for International Development; 2004.
- Nel, E. T. (1999). Regional and local economic development in South Africa: The experience of the Eastern Cape. England: Ashgate Publishing Limited.
- Nel, E., & Binns, T. (2001). Initiating ‘developmental local government’ in South Africa: Evolving local economic development policy *Regional Studies*, 35, 355–362.
- Ouchi,W.G.(1981) Theory Z:HOW American Business Can Meet the Japanese Reading , MA:Addison – Wesley.
- Putnam,R.(1993)Making Democracy Work: Civic Tradition in Modern Italy , Princeton NJ : Princeton university Press.
- Putnam,Robert,D. and Goss, Kristin A.(2002)"Introduction" In Putnam (ed.) , Democracies in Flux, The Evolution Of Social Capital in Contemporary Society",Oxford University Press.
- Rogerson, C. M. (1999). Local economic development and urban poverty alleviation: the experience of post-apartheid South Africa. *Habitat International*, 23, 511–534.
- Wall,Ellen(1998), Gabriele ferrazzi, and frans shryer ".getting on social capital "rural sociology